

مذاهب اسلامی

(۴)

محمد مسجدجامعی
زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن / مولف محمد مسجدجامعی. -
قم: نشر ادیان
ص ۳۵۲: (نشر ادیان، ۱۱: مذاهب اسلامی ۴)

ISBN:964-95295-9-4

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

چاپ قبلی: الهدی، ۱۳۶۹.

کتابنامه.

نمایه.

۱. اسلام و سیاست. ۲. رهبری (اسلام). ۳. ولایت. الف. نشر ادیان. ب. عنوان

۳۹۷/۴۸۳۲

BP ۲۳۱/م ۴۷۳۸

۱۳۸۵

م ۴۷۵۲۶-۸۴

کتابخانه ملی ایران

زمینه‌های تفکر سیاسی
در قلمرو تشیع و تسنن

محمد مسجدجامعی



زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن

● مؤلف: محمد مسجدجامعی

● ناشر: نشر ادیان

● نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۵

● مدیر فنی و هنری: محمد مهدی ربانی

● تعداد: ۲۰۰۰ جلد

● قیمت: ۲۲۰۰ تومان

● مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، چهار راه کالج، ابتدای حافظ شمالی، نبش

کوچه بامشاد، شماره ۵۲۵، موسسه پکتا

تلفن: ۸۸۹۲۶۲۷۰-۱ فاکس: ۸۸۹۲۶۲۷۱

www.religions.ir

Pub@religions.ir

سخن ناشر

نزدیک به دو دهه از ایراد سخنرانی‌هایی که دستمایه اصلی کتاب حاضر است می‌گذرد. از آن زمان تاکنون تحولات بسیاری در اندیشه‌ها و جریان‌های سیاسی در دو حوزه تشیع و تسنن رخ داده است. این تحولات می‌تواند مؤید یا ناقض برخی تحلیل‌های این کتاب در خصوص جغرافیای اندیشه سیاسی در جهان اسلام در روزگار معاصر باشد؛ در حالی که مرکزیت تشیع، یعنی ایران دوره انقلاب و التهاب را پشت سر گذاشته و به مرحله تثبیت نظام قدم گذاشته و به وضعیتی تعادلی و اعتدالی نائل آمده است، اتفاقی که در عراق شیعی انقلابی نیز در حال شکل‌گیری است، جوامع سنی با مرکزیت فکری سلفی و وهابی در حال تجربه کردن غلیظ‌ترین گرایش‌های انقلابی و جهادی است.

اگر رخ دادن انقلاب اسلامی در جامعه شیعی ایران برای برخی از مستشرقانی که آفاق تفکر معنوی ایرانی و شیعی را در نور دیده بودند و تشیع امامی را جریانی درونگرا و مسالمت جو می‌شمردند مایه شگفتی گردید، برخاستن امواج خروشان انقلابی در میان سنی‌های سلفی از تبار حنابله و اهل حدیث که امر به معروف و نهی از منکر را تا جایی که به فتنه نینجامد روا می‌شمردند و از این رو تلاش برای اسقاط حکومت‌های ظالم و فاسق را مشروع نمی‌دانند می‌تواند تعجب‌آفرین باشد؛ آیا در شناخت پیش زمینه‌های تفکر سیاسی و انقلابی شیعه و سنی اشتباهی صورت گرفته یا موقعیت‌های گوناگون نوین به گونه‌ای رقم خورده که تحولی چشمگیر را در رویکردها موجب

شده است.

درست است که عدل‌گرایی شیعه در کنار برداشت تراژیک و اندوه‌بار شیعه از تاریخ اسلام، به ویژه دو قرن و نیم دوره امامان معصوم (ع) همواره میل به ظلم ستیزی و روحیه انقلابی را در شیعیان زنده نگاه داشته است، اما عقل‌گرایی و معنویت خواهی شیعه در کنار موعودگرایی و انتظار اندیشی آنان - بنا به تفسیر رایج آن - همواره به اعتدال اندیشه شیعی در مقولات سیاست و مبارزه مدد رسانده است و اگر گاهی تندروی و افراطی هم صورت گرفته در دورانی محدود و در حکم استثنا بوده است. از این رو مشی معتدل شیعیان در حال حاضر - به ویژه در ایران، عراق و افغانستان - در عین نفی ظلم، استبداد و استعمار می‌باید امری منطبق با مبانی فکری و روح تاریخی شیعه تلقی شود.

اما آنچه در میان اهل سنت رخ داده و آنان را از خمود و رکود به خیزش و خروش واداشته و احیاناً شکل‌هایی افراطی و تندروانه یافته است باید تحت تأثیر امواج انقلابی صادر شده از ایران انقلابی دهه شصت و نیز واکنشی گریزناپذیر در برابر تفرعن آمریکا، وحشی‌گری اسرائیل، و استبداد و ناکارآمدی حاکمان، تلقی و بر همین مبنا تبیین شود.

مقصود این سخن این نیست که اهل سنت بنا به مبانی فکری و روانشناسی جمعی‌شان هیچ‌گاه اهل انقلاب و مبارزه نبوده‌اند؛ مبارزه با امواج بیگانه، و بیگانگان در ستیز با اسلام وجه مشترک همه مسلمانان بوده است. آنچه غریب می‌نماید بر تافتن حاکمان مسلمان جورپیشه و مبارزه براندازانه با آن‌ها در میان سنی‌مذهبان است.

محور دیگری که باید از نو کاویده شود نسبت هر کدام از تشیع و تسنن با دموکراسی به عنوان مهم‌ترین محصول سیاسی دوران جدید و نیز برترین شیوه مقبول و ممکن برای حکومت در جهان معاصر است. برخی مایلند تسنن

را به دلیل اهتمامش به انتخاب و شورا در نظریه سیاسی خلافت، دموکرات مآب‌تر از تشیعی نشان دهند که به دلیل اعتقاد به نص و نصب در امامت و نیز عصمت امام و لزوم اطاعت کامل از او نمی‌تواند با مردم‌سالاری میانه‌چندان خوبی داشته باشد. این موضوع را باید در شمار جدی‌ترین دغدغه‌های اصحاب اندیشه و قلم قرار داد. برای تقرب به تبیینی واقع‌نمون‌تر و راهگشا‌تر، علاوه بر تعمق در مبانی کلامی شیعه و سنی باید تحقق تاریخی و تجسم عینی هر کدام از رویکردهای شیعی و سنی را در مقاطعی که بر مسند قدرت بوده‌اند مورد توجه قرار داد. اهل سنت در قرون متعادی حکومت‌هایی کمابیش دلخواه و مبتنی بر فقه و اندیشه سیاسی سنی داشته‌اند، اما بعید است آن اندازه که شیعه در دوران حکومت‌های شیعی‌ای چون آل بویه و نیز دوران جمهوری اسلامی، از خود رواداری و مردم‌سالاری نشان داده، حکومت‌های سنی اهل تسامح، و اهتمام به رأی مردم یا اهل حل و عقد بوده‌اند.

این وصف و تبیین‌ها چه درست و راهگشا تلقی شود و چه نادرست و بن بست‌آفرین، بی‌تردید نشان‌دهنده آغاز تحولاتی شگرف در اندیشه و رویکرد انقلابی و سیاسی هم در میان شیعیان و هم سنیان است. در آینده‌هایی نه چندان دور بهتر می‌توان در این باب به داوری نشست. آنچه باید مورد اهتمام و موضوع کندوکاو ما باشد درنگ در زمینه‌های تاریخی و کلامی تفکر سیاسی در اندیشه و تاریخ تشیع و تسنن است، هدفی که این کتاب کوشیده است تا بدان تقرب جوید. ما بر آنیم که این کتاب هم‌چنان می‌تواند منبعی در خور توجه و الهام بخش و جهت‌دهنده در این قلمرو باشد.

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه مولف
۱۹	۱. جنبش‌های دینی در دوران معاصر
۲۳	مبانی اندیشه سیاسی شیعیان و اهل سنت
۲۵	دیدگاه‌های متفاوت
۳۰	رهبری دینی
۳۶	حاکمیت نخبگان
۳۹	به صحنه آمدن جوانان
۴۴	تحولات در بلوک شرق
۴۶	توسعه ناهمگون و غیر خلاق
۴۹	حساسیت به میراث
۵۱	به سوی اصالت‌ها
۵۳	اسلام و مسیحیت و تمدن نوین
۵۸	بازگشت مجدد
۶۳	ریشه‌های اختلافات عقیدتی
۶۷	۲. تلقی تاریخی
۶۷	نگرش به تاریخ صدر اسلام

۶۹	انتخاب ابوبکر
۷۲	صبغه جدید
۷۶	رقابت‌های قبیله‌ای
۷۹	به صحنه آمدن عمر
۸۳	تهدیدهای برون مرزی
۸۷	موقعیت جدید
۹۰	به قدرت رسیدن عثمان
۹۱	تحولات ژرف و سریع
۹۴	بحران بزرگ
۹۵	تلقى عمومی
۹۸	علی (ع) و پذیرش خلافت
۱۰۱	آشتی‌های روانی
۱۰۴	از هم‌گسیختگی اجتماعی
۱۰۹	منشأ مشکلات
۱۱۲	تصویر دگرگونه واقعیت
۱۱۴	مقابله با شخصیت علی (ع)
۱۲۰	اهمیت یافتن مقام و منزلت صحابه
۱۲۱	تحول در فهم دین
۱۲۶	منتقدان دیگر
۱۲۸	پیامدهای فکری و اعتقادی
۱۳۷	۳. حکومت و حاکم
۱۳۸	منزلت خلافت
۱۴۳	تقدس یافتن صدر اسلام
۱۴۶	مسائل مستحدث
۱۴۸	جاذبه‌های عاطفی

فهرست مطالب / ۱۱

۱۵۳	 ناتوانی در قضاوت صریح
۱۵۶	 توقف در برابر واقعه عاشورا
۱۶۳	 ادراک جدید در پرتو تجربه جدید
۱۶۵	 راه گشایی سیدقطب
۱۶۸	 اهمیت اندیشه سیدقطب
۱۷۱	 تخطئه نقد تاریخی
۱۷۸	 تلقی تاریخی عبدالرزاق
۱۸۳	 دیدگاه اهل سنت نسبت به حاکم
۱۸۷	 حکومت و حاکم
۱۹۲	 دیدگاه شیعیان
۱۹۶	 دو دیدگاه
۲۰۰	 مسئله قضا و قدر
۲۰۶	 جهان‌شناسی اعراب در قدیم
۲۱۰	 ترویج جبرگرایی
۲۱۵	 نمونه‌های تاریخی
۲۱۸	 جعل حدیث
۲۲۲	 اندیشه ارجاء

۲۲۷	 ۴. قدرت و عدالت
۲۲۸	 مفهوم عدالت
۲۳۱	 نتایج دو تفسیر متفاوت
۲۳۴	 مفهوم فقهی عدالت
۲۳۹	 شرط نفی عدالت
۲۴۲	 اهمیت نفی شرط عدالت
۲۴۵	 عمل و شرایط عمل
۲۵۳	 وظایف حکومت

۲۵۶	پهناوری دارالاسلام
۲۵۸	تهدید قدرت‌های مسیحی
۲۶۱	قدرت و امنیت
۲۶۴	نظریه غزالی
۲۶۶	حفظ نظام
۲۷۰	نظریه ابن‌قیم
۲۷۱	عدالت‌خواهی و قدرت‌طلبی
۲۷۲	مجاری ظهور پتانسیل انقلابی
۲۷۷	فداکاری خواهی انسان
۲۸۱	ایدئولوژی نظام حاکم
۲۸۶	اعتراض‌های نوین
۲۹۰	موضع شیعه
۲۹۵	صفویان و علمای شیعه
۲۹۷	انزوای شیعه و پیامدهایش
۳۰۰	فشارها و ضرورت‌های جدید
۳۰۹	اندیشه حکومت اسلامی
۳۱۰	سقوط خلافت
۳۱۵	نفوذ قوانین غرب
۳۱۹	تطبیق شریعت
۳۲۷	کتاب‌شناسی
۳۲۷	منابع و مأخذ فارسی و عربی
۳۳۸	منابع لاتین
۳۴۱	نمایه اعلام
۳۴۷	نمایه کتب و مجلات

مقدمه مؤلف

تاریخ آینده نشان خواهد داد که دهه‌های هفتاد و هشتاد قرن حاضر، از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ سیاسی اسلام و تاریخ اندیشه سیاسی مسلمانان بوده است. اینکه این نقطه عطف کدامین آینده‌ای را بدنبال خواهد داشت، مسئله دیگری است؛ مهم این است که تحولی بزرگ رخ داده و تجربیات فراوان و متنوعی را، چه در سطح جهان اسلام و چه در سطح بین‌المللی، پشتوانه خویش دارد.

با توجه به این نکات باید گفت که آینده اسلام، اسلام چه بعنوان یک دین و چه بعنوان یک واقعیت خود متوجه تاریخ گذشته این دین و خصوصاً کیفیت ورودش به دوران جدید، کنش و واکنش متقابلش با آن، و نیز امکانات و ظرفیت‌های درونی آن است. این سه عامل و خاصه عامل اخیر، بزرگترین سهم را در تکوین وضعیت موجود داشته و خواهد داشت.

در این میان مهم این است که سهم اساسی و تعیین‌کننده خود اسلام بعنوان یک عامل دگرگون‌کننده و تحول‌آفرین، فراموش نشود. فراوانند کسانی که تحولات تاریخ اسلام و نیز اسلام معاصر را بدون توجه به تواناییها و قابلیت‌های ذاتی خود این دین و تأثیرات مستقیم و بی‌واسطه آن، بررسی می‌کنند، و آن را به مثابه واقعیتی تاریخی و فرهنگی و اجتماعی که صرفاً مشمول تحولات کنونی است، در نظر می‌گیرند و نه بعنوان واقعیتی که بجز

ویژگی‌های مذکور، خود دارای فعالیت و خلاقیت مستقلانه‌ای است. حال آن‌که تحولات ادیان الهی و در رأس آن‌ها اسلام را، بدون توجه به نکته اخیر نمی‌توان بررسی کرد.

در این‌که دین بدان علت که مورد اعتقاد پیروانش قرار می‌گیرد و از این طریق به صحنه جامعه وارد می‌شود، خود مشمول قوانین تاریخی و اجتماعی است، سخنی نیست، سخن در این است که آیا آن را واقعی‌نی ماوراء تاریخی نیست؟

اگر بپذیرفته‌ایم که دین را واقعی‌نی ماورائی است و بگونه‌ای به تاریخ تزریق شده است، باید بپذیریم که مطالعه آن بدون توجه به این خصوصیت و آن را صرفاً بمنزله عاملی بر آمده از تاریخ دیدن، ما را به نتایج نادرستی می‌کشاند، و اگر این نکته را بپذیرفته‌ایم، منطقاً می‌باید بپذیریم که این عنصر ماوراء تاریخی را در برابر جریان‌های اجتماعی و فکری و سیاسی مختلف، متناسب با اصول و ویژگی‌هایش، عکس‌العملهایی است، و برای شناخت این واکنش‌ها بهمان ترتیب که می‌باید به دریافت شرائط تاریخی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی پرداخت، بهمان ترتیب می‌باید به مبانی و ویژگی‌ها و تواناییهای تغییر دهنده و قابلیت‌های انطباق‌پذیرانه آن نیز، توجه داشت.

در طی دوه دهه اخیر که موج نوین اصالت‌خواهی اسلامی قلمروهای اسلامی و مسلمان‌نشین را فراگرفت، هم شیعیان و هم اهل سنت را تحت تأثیر قرار داد. در آن ایام و خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که موج اسلام‌خواهی به نقطه اوج خود رسیده بود، بنظر می‌آمد که این دو همانند یک‌دیگر در برابر جریان جدید واکنش نشان خواهند داد. اما بعد که طوفان احساسات به آرامی گرائید، روشن شد که این دو متناسب با تجربیات تاریخی، اصول فقهی و کلامی و ساختار روانی و اجتماعی به دو گونه مرحله جدید را طی خواهند کرد. این تفاوت به همان‌گونه که مرهون دو تجربه تاریخی مختلف است، مرهون دو نظام فقهی و کلامی متفاوت نیز می‌باشد.

موقعیت کنونی هر یک از این دو در گذار، از مرحله جدید بهمان ترتیب که در هم آهنگی با تجربه تاریخی هر یک است، در توافق با نظامهای اعتقادی آنها نیز هست.

برای شناخت موقعیت کنونی، این دو نکته می باید با همدلی و دقت بررسی و ارزیابی شود؛ و خصوصاً معلوم شود که هر یک از این دو مکتب، در کلیت و تمامیتش، به ساختار روانی و اجتماعی و دینی پیروانش چگونه شکل داده است و هر یک را در برابر تحولات و فشارها و الزامات دوران معاصر، چه امکانات و قابلیت هایی است. روشن شدن این نکته گذشته از آن که به شناخت بهتر وضعیت موجود کمک می کند، بلکه تا حدود می تواند موقعیت آینده را هم، ترسیم کند.

در این جا بحث نه بحثی جدلی و ارزشی است و این که کدامین تجربه و تفسیر از اسلام درست و کدامین نادرست بوده است و نه برای آن است که مسائل مناقشه انگیز طرح شود و اخوت و وحدت اسلامی مورد تردید و تضعیف قرار گیرد مسلماً طرح عالمانه و بی طرفانه ممیزات فکری و اعتقادی و تاریخی و روانی هر یک از طرفین و این که معلول چه عواملی است و عوارض و نتایجش چیست، از آن جا که به شناخت عمیق تر و صادقانه تر کمک می کند، به تحکیم اخوت و وحدت بیشتر کمک خواهد کرد تا کتمان آنها، در دنیای باز شده و پرارباط امروز نه می توان و نه به صلاح است که واقعیتها، خصوصاً در آن جا که ریشه و توانی به عمق و قدرت دین دارند، کتمان شوند. کتمان واقعیتها از طرف معتقدان و ملتزمان بدان موجب می شود که دیگران آن را بصورتی دگرگونه و تحریف شده عرضه دارند و توضیح دهند.

تفاهم و هم فکری و همگامی و احساس مسئولیت متقابل و مشارکت در سرنوشت مشترک هم در صورتی حاصل می شود که طرفین با صداقت و شجاعت یک دیگر را بشناسند و خود را چنان که هستند نشان دهند. این امور

در دنیای امروز بجز با شناخت متقابل صریح، در عین حفظ احترام متقابل، بدست نخواهد آمد.

حداقل نتیجه این شناخت این است که طرفین از یک‌دیگر توقع و انتظاری فراتر از اصول و امکانات و محدودیت‌های یک‌دیگر نداشته باشند - مشکلی که متأسفانه مسلمانان پیوسته با آن مواجه بوده و هستند - خود بدانند که کیستند و طرف مقابلشان کیست و چه اهدافی را تعقیب می‌کنند و تلقی و تفسیر هر یک از این اهداف چیست و در راه نیل بدان‌ها چگونه می‌باید با یک‌دیگر مشارکت و همکاری کنند.

کتابی را که مطالعه می‌فرمائید بسط و تفصیل یافته چهار سخنرانی‌ای است که در پائیز سال ۱۳۶۶ در تالار موزه هنرهای معاصر ایراد شده است. در آن زمان هدف از برگزاری این سخنرانیها این بود که زمینه‌های اصلی اندیشه سیاسی شیعیان و اهل سنت بازگفته شود و این که این زمینه چرا و چگونه بوجود آمده و تحت تأثیر چه عواملی است و به چه ترتیب در تفکر سیاسی این دو مؤثر افتاده است، و نیز این که این دو طرز تفکر در برابر تحولات ژرف و سریع دوران معاصر و فشارها و ضرورت‌هایش چگونه واکنش نشان داده و می‌دهد. و در نهایت هدف این بود که طرفین تصویر روشن‌تری از یک‌دیگر داشته باشند، و الزامات و محدودیت‌های فقهی و کلامی و تجربیات تاریخی و ساختار اعتقادی یک‌دیگر را بشناسند و توقعاتشان از یک‌دیگر، هم‌آهنگ با این اصول و مبانی و ظرفیت‌ها باشد.

علیرغم آن که این موضوع و مباحث مطروحه بالاستقبال گرمی مواجه شد، اما برشته تحریر در آمدنش به تأخیر افتاد.

نکته‌ای که تذکرش ضروری است این که فصول چهارگانه این کتاب بر اساس همان سخنرانیها تنظیم شده است. اگر این کتاب مستقلاً و بدون توجه بدان سخنرانیها تنظیم می‌شد، فصل‌بندیهایش تغییر می‌یافت و بسیاری از مباحث در فصل مستقلی مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت، اما به عللی که

مهم‌ترینش ضیق وقت و گسترده‌گی مباحث و تنوع مسائل دوران معاصر بود، این کار صورت نگرفت. این جریان هم‌چنین، موجب شد تا یادداشت‌ها فراوان و احياناً طولانی شود. از این بابت لازم است از خوانندگان عزیز عذر بخوام. در پایان لازم می‌دانم از سروران ارجمند، آیت الله آقای جعفر سبحانی رئیس موسسه تحقیقاتی امام صادق (ع) که در تنظیم این کتاب از امکانات موسسه و خصوصاً کتابخانه آن فراوان بهره‌برده‌ام، و نیز آقای بهاء‌الدین خرمشاهی که ویراستاری این اثر را بعهده داشتند و آقای مصطفی تاج‌زاده که در برگزاری سخنرانیهای یاد شده، بیشترین سهم را داشته‌اند، صمیمانه تشکر کنم.

هم‌چنان‌که لازم است از آقای محمد باقری لنکرانی که با صمیمیت استخراج نوارها را تقبل کردند و این کتاب در درجه نخست مرهون زحمات و پیگیری‌های ایشان است، و آقایان علیرضا بهشتی، کیومرث امیری و محمد باری و برادران دیگر که هر یک سهمی در بسامان آوردن این اثر داشته‌اند، تشکر کنم.

زمستان ۱۳۶۸

محمد مسجدجامعی